

جنبش ملی‌گرایان عرب از نگاه دو کتاب

علی علیمحمدی

Ailar-alimohammadi@yahoo.com



«جنبش ملی‌گرایان عرب» از احزاب سیاسی فراگیر عرب در نیمه قرن بیستم بوده که درباره آن چندان مطالعه و پژوهش علمی صورت نگرفته بود. در چند سال اخیر مؤسسه الابحاث العربية (مؤسسه مطالعات عربی) و مرکز دراسات الوحدة العربية (مرکز مطالعات وحدت عربی) که از نهادهای علمی معتبر و پیشرو در بیروت محسوب می‌شوند دو کتاب درباره جنبش ملی‌گرایان تألیف و منتشر کرده‌اند که آثار علمی و پژوهشی قابل توجهی در این زمینه هستند. آنچه در پی خواهد آمد معرفی این دو کتاب است. گفتنی است به دلیل نیافتن منبعی در معرفی مجلد دوم کتاب دوم و در دسترس نبودن اصل کتاب این مجلد معرفی نشده است.

این جنبش پشت سرگذاشته، به مطالعه و بررسی دقیق آن می‌پردازد. نویسندگان در آغاز به ریشه‌ها و مراحل تأسیس جنبش پرداخته و پس از آن تحولات و انشعابات جنبش را تشریح می‌کند. انعکاس قیام ۱۴ جولای ۱۹۵۸ در عراق، همچنین پایه‌گذاری «اتحادیه سوسیالیستی عربی» و مواضع آن در قبال مسائل مختلف عربی از دیگر مباحث و محورهای کتاب است.

جنبش ملی‌گرایان عرب در واکنش به شکست اعراب در ۱۹۴۸ و احساس سرخوردگی از عقب‌ماندگی و شکست اعراب ظهور کرد، اما این جنبش، امتداد دو تشکیلات «انجمن عروة الوثقی» - که به منزله انجمنی فرهنگی در ۱۹۳۰ پایه‌گذاری شد - و «کتاب الفدائی العربی» (گردانهای فدایی عربی) - که در مارس ۱۹۴۹ در بیروت تأسیس شد - بود. «گردانهای فدایی عربی» در پی بازداشت بسیاری از رهبران در اواخر ۱۹۵۰، در سوریه منحل شد. این مسئله مانع از آن نشد که

- حركة القوميين العرب و دورها في التطورات السياسية في العراق (۱۹۶۶ - ۱۹۵۸)
- د. سعدمهدی شلاش
- مرکز دراسات الوحدة العربية، چاپ اول ۲۰۰۴

«جنبش ملی‌گرایان عرب» از سازمانها و تشکیلاتی بود که در عرصه سیاسی عربی در دهه‌های پنجاه و شصت قرن بیستم ظهور کرد، اما از حیث نحوه ظهور، شکل‌گیری و برنامه فعالیت‌های در زمینه‌های فکری - اعتقادی، اهداف بنیادی، ساختار تشکیلاتی و تغییر و تحولات داخلی، از سازمانها و جنبشهای نظیر خود متمایز بوده است. در کتاب جنبش ملی‌گرایان عرب و نقش آن در تحولات سیاسی در عراق - که در این نوشتار برخی از مهم‌ترین نکات بارز آن بررسی می‌شود - دکتر سعد مهدی شلاش با واکاوی بسیاری از مراحل و دوره‌هایی که

جورج حبش یکی از رهبران آن حزب به همراهی دوستان دیگرش به تأسیس سازمان جدیدی با نام «جنبش ملی‌گرایان عرب» اقدام نکند. این جنبش فعالیت اولیه خود را از دانشگاه آمریکایی در بیروت آغاز کرد و جورج حبش، هانی ال‌هندی، احمد الخطیب، ودیع حداد، صالح شبل و حامد الجبوری هسته اصلی جنبش را تشکیل می‌دادند. پس از آن قسطنطین زریق و علی ناصرالدین نقش اصلی را در شکل‌گیری اندیشه سیاسی و ایدئولوژیک جنبش در خلال دوره الگوبرداری آن ایفا کردند. نویسنده در بررسی مهم‌ترین مراحل تحول گذشته جنبش، بیان می‌کند که جنبش در حیات سیاسی خود در لبنان پس از ۱۹۵۶ از انزوا خارج شد و این رویداد در پی انتقال آن به اردن بود. به گونه‌ای که جورج

دکتر مهدی شلاش در بررسی

مهم‌ترین ویژگی‌های ایدئولوژیکی

جنبش ملی‌گرایان عرب معتقد است،

این جنبش به دلیل شرایط پیدایی‌اش،

تمام مفاهیم فکری و خاستگاه‌های

ایدئولوژیکی خود را در عمل به قضیه

فلسطین که معتقد بودند

«بدون وحدت عربی آزاد نمی‌شود»

پیوند داده بود که به نظر مؤلف این رویکرد

باعث شد، مضامین اجتماعی و سیاسی

همسو با اندیشه وحدت در این جنبش

جایی نداشته باشد

در یمن که درگیر جنگ طولانی مدتی برای به دست آوردن استقلال بود، رهبران شاخه جنبش جوان بودند. از برجسته‌ترین فعالان آن از فیصل عبداللطیف، یحیی الاربانی، سلطان العبسی، عبدالعزیز الدالی، قحطان الشعبی، علی السلامه و علی سالم البیض می‌توان نام برد. با این شرایط این جنبش تأثیرات متفاوتی داشت و نتوانست حوزه عربی واحدی با تشکیلات مردمی منسجم به جز کویت ایجاد کند.

در بخش دیگری از کتاب جنبه ساختاری جنبش تشریح شده است. به اعتقاد نویسنده، جنبش دارای هرم تشکیلاتی بود که اعضا و مقامات پایین‌تر، تابع رهبران و مقامات بالاتر بودند. براساس شیوه تمرکزگرایی جنبش، اعضای پایین‌تر، حق نظارت بر مقامات بالاتر از خود را نداشتند. هرم تشکیلاتی از پایین به بالا بر این اساس بود: «توده»، «انجمن»، «شاخه» و «رهبری منطقه». عضویت در تشکیلات جنبش شرایطی داشت که مهم‌ترین‌شان از این قرار است: اعتقاد به اهداف و مبانی جنبش، الزام در پیروی از دستورات رهبران، اجرای منظم وظایف محول شده، مشارکت مالی در سرمایه‌گذاری صندوق جنبش و عینیت بخشیدن به مفاهیم جنبش.

دکتر مهدی شلاش در بررسی مهم‌ترین ویژگی‌های ایدئولوژیکی جنبش ملی‌گرایان عرب، معتقد است، این جنبش به دلیل شرایط پیدایی‌اش، تمام مفاهیم فکری و خاستگاه‌های ایدئولوژیکی خود را در عمل به قضیه فلسطین - که معتقد بودند «بدون وحدت عربی آزاد نمی‌شود» - پیوند داده بود که به نظر مؤلف این رویکرد باعث شد، مضامین اجتماعی و سیاسی همسو با اندیشه وحدت در این جنبش جایی نداشته باشد. پیامد این انحصار ایدئولوژیکی، این شد که جنبش درباره وحدت عربی، جز تصویر برداشت از نیروی لازم برای خونخواهی و حمله به یهود، چیزی نداشت. این اهمال و کوتاهی ایدئولوژیکی به بروز اختلاف در اهداف و فقدان دیدگاه مشترک میان بخش‌های جنبش منجر شد و در نتیجه پیش از اینکه، جنبش نهمین سال فعالیت خود را پشت سر گذارد، به سرعت دستخوش انشعاب‌های داخلی شد. زمانی که اندیشه‌های مارکسیستی در خلال سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۶ جنبش را فرا می‌گرفت، پایگاه‌های مردمی جنبش بر پیروی به شیوه و راهبرد ناصر (جمال عبدالناصر) که رهبری جنبش در ۱۹۵۸ با آن موافقت کرده بود، باقی ماندند. بدین ترتیب اولین تعارض جدی در پی برگزاری کنفرانس در مارس ۱۹۶۳ با درگیری و نزاع شدیدی میان دکترین مارکسیسم و ملی‌گرایی درون گروه مرکزی جنبش روی داد.

دکتر شلاش در این اثر، شرح کاملی از نقش جنبش در سالهای ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۶ در عراق و در اثنای درگیری رهبران انقلاب ۱۴ جولای ۱۹۵۸ یعنی عبدالکریم قاسم و عبدالسلام عارف ارائه می‌دهد. جنبش ملی‌گرایان عرب در سال ۱۹۶۰ تجربه هم‌پیمانی با احزاب «استقلال» و «بعث» را در «جبهه ملی» برای سرنگون کردن عبدالکریم قاسم و مقاومت در برابر کمونیستها و ملحق کردن عراق به جمهوری متحد

حبش و ودیع حداد در عمان مطب و درمانگاهی ایجاد کردند و در کنار فعالیت‌های سیاسی به حرفه طبابت نیز پرداختند. این دو «النادی العربی» (باشگاه عربی) را مرکز فعالیت سیاسی‌شان قرار دادند و هفته‌نامه الرأی را به عنوان ارگان خود منتشر کردند. در سوریه که حزب «بعث» عرصه فعالیت سیاسی را از دیگران ربوده بود، جنبش ملی‌گرایان عرب در طول دهه پنجاه در حاشیه حوادث باقی ماند. جنبش در مصر که محتاطانه به سران نظامی که انقلاب ۲۳ جولای را رهبری می‌کردند، می‌نگریست، در نهایت به «اتحادیه سوسیالیستی» که جمال عبدالناصر آن را پایه‌گذاری کرده بود، ملحق و ادغام شد. گسترش جنبش در کویت با اقدامات یکی از فعالان کویتی جنبش، احمد الخطیب، از دیگر شاخه‌ها متمایز بود. وی در تابستان ۱۹۵۲، پس از اینکه در تأسیس «جنبش ملی - گرایان عرب» مشارکت داشت، به عنوان طیب به کشورش بازگشت.

عربی آغاز کرد. اما فعالیت این جبهه از حد انتشار بیانیه‌های سیاسی فراتر نرفت. به گونه‌ای که احزاب سه‌گانه با تأکید بر حفظ فعالیت‌های تشکیلاتی خاص خود، نتوانستند برنامه مشترکی ترسیم کنند. بلکه پیمان‌هایشان تحت فشار طرح‌های سیاسی هر حزب از هم گسیخت و در سپتامبر ۱۹۶۱ در پی موضع‌گیری حزب بعث در قبال جمال‌الناصر و شیوه مدیریتی حکومت در منطقه سوریه، تجزیه و جدایی روی داد.

نویسنده یادآور می‌شود که جنبش ملی‌گرایان عرب در تقابل با حکومت عبدالکریم قاسم و کمونیست‌ها در عراق بر همکاری و مساعدت جمهوری متحد عربی تکیه کرده بود. به اعتقاد وی این جنبش در سلسله انقلاب‌های نافرجام و بی‌ثمری گرفتار شد؛ جنبش پیش از اینکه حزب بعث فعالیت‌های مشابهی به فاصله زمانی پانزده روز انجام دهد، برای براندازی حکومت عبدالکریم قاسم در موعد مشخصی برنامه‌ریزی کرد. در عین حال دبیری نپایید که نظام جدید به رهبری عبدالسلام عارف با بعثیان اختلاف پیدا کرد و در جولای ۱۹۶۴ شکل‌گیری «اتحادیه سوسیالیستی عربی» را - که شاخه جنبش ملی‌گرایان عرب در عراق، بعد از اینکه همه تشکیلات آن منحل شده بود، تصمیم به ادغام در آن اتحادیه گرفت - اعلام کرد. اما در جولای ۱۹۶۶ از این اقدام عقب‌نشینی کرد تا رهبری نیروهای چپ ناصری را در دست گیرد.

نویسنده در بخش دیگری موضع جنبش ملی‌گرایان عرب را در قبال جمهوری متحد عربی بررسی و بیان می‌کند که ادغام دو منطقه مانند آغاز مرحله جدید در تحولات جنبش بود که ناصریسم را به مثابه «روش انقلابی یگانه و شایسته برای جنبش انقلابی عربی» قلمداد کرد.^۱

1. www.wajhat.com 2004/11/20

▪ **حرکه القومیین العرب: نشأتها و تطورها عبر و ثائقها**
(۱۹۵۱ - ۱۹۶۸) (کتاب اول)

▪ **تحقیق و نگارش: هانی الهمندی و عبدالاله النصاروی**

▪ **مؤسسه الابحاث العربیه، ۴ ج**

* **مشخصات کتاب دوم**

کتاب حاضر که کتاب اول از مجموعه جنبش ملی‌گرایان عرب: پیدایی و تحولات آن از طریق اسناد آن ۱۹۵۱-۱۹۶۸ محسوب می‌شود، مرحله پیدایی این تشکیلات و فعالیت‌های آن را در برخی از کشورهای عربی از ۱۹۵۱ تا توطئه جدایی سوریه و مصر در سپتامبر ۱۹۶۱ در دمشق دربرمی‌گیرد. این کتاب پژوهشی درباره آغاز و خاستگاه تشکیلات و اندیشه‌ها و مفاهیم بنیادی و سیر فعالیت جنبش ملی‌گرایان عرب و نگرش آن به اندیشه قوم‌مدار و ملی‌گرای فراگیری که در دهه‌های سی و چهل در کشورهای مشرق عربی حاکم بود و نیز شکست

اعراب در ۱۹۴۸ در فلسطین است. کتاب همچنین مواضع تشکیلات را در قبال احزاب کمونیستی داخلی و سازمان‌های سیاسی عربی دیگر تشریح می‌کند. همچنان‌که امور تشکیلات و ساختار داخلی و جنبه مالی این جنبش از طریق بیانیه‌های سیاسی و اطلاعیه‌ها و اعلامیه‌های داخلی بررسی می‌شود. کتاب اول در چهار مجلد سامان یافته است.

مجلد اول حاوی سه بخش است که هر بخش به مطالعه جنبه‌ای از تاریخ این جنبش اختصاص دارد. بخش اول زمینه‌های سیاسی تشکیل جنبش ملی‌گرایان عرب را در دو فصل بررسی و تحلیل می‌کند. فصل اول ریشه‌ها و خاستگاه‌های این جنبش را از نظر تاریخی و از سرگیری فعالیت‌های قوم‌مدارانه میان دو جنگ جهانی را در مناطق عربی بیان می‌کند. در ادامه فعالیت ملی‌گرایان را در فلسطین، لبنان، سوریه و فعالیت ملی‌گرایی را در عراق و فروپاشی آن را در این کشور و نیز جریان عربی‌گرایی در مصر را مورد بحث قرار می‌دهد. آخرین مطلب فصل اول به «اتحادیه کشورهای عربی» اختصاص دارد. نویسندگان در فصل دوم این بخش تشکیلات «کتاب الفدائی العربی» (گردانهای فدایی عربی) را که به نوعی جنبش ملی‌گرایان عرب، امتداد آن قلمداد می‌شود، معرفی و بررسی کرده و تأثیرگذاری آن را در شکل‌گیری جنبش بیان می‌کنند.

بخش دوم شامل سه فصل است. در فصل سوم آغاز فعالیت جنبش در سالهای ۱۹۵۱-۱۹۵۲ در لبنان و منتقل شدن آن به خارج از لبنان و حوادث انقلاب ۲۳ جولای بررسی شده است. فصل چهارم شکل‌گیری فعالیت ملی‌گرایی را در سالهای ۱۹۵۳-۱۹۵۵ در مصر، اردن، لبنان، کویت، سوریه و عراق تحلیل می‌کند. فصل پنجم به بررسی ظهور ناصریسم و مبارزات ضداستعماری جمال‌الناصر در فاصله ۱۹۵۶ تا ۱۹۵۸ در مصر و نفوذ آن در اردن، لبنان، کویت، سوریه و عراق اختصاص دارد و امتداد فعالیت تشکیلات در مصر در این برهه از زمان بررسی می‌شود. بخش سوم این مجلد که عنوان آن «بردباری و دوراندیشی واقعی... وحدت مصر و سوریه ۱۹۵۸-۱۹۶۱» است، به وحدت سوریه و مصر، پیامدهای سیاسی آن و مواضع کشورهای دیگر عربی در قبال آن می‌پردازد.

پایان بخش مجلد اول، پیوست اسنادی است که در نگارش این مجلد استفاده شده و حجم بیشتر کتاب (ص ۲۵۳-۵۲۹) را نیز به



خود اختصاص داده است. عناوین این اسناد از این قرار است: «ادعانه درباره تأسیس گردانهای فدایی عربی»؛ «بیانیه کنفرانس تأسیس گروه فعالیت ملی گرایانه»؛ «روش ملی گرای عربی»؛ «کتاب القومیه العربیه (ناسیونالیسم عربی)، حقایق، توضیحات و روشها»؛ «بیانیه جوانان ملی گرای عرب، ۱۹۵۸»؛ «وحدت راه ماست»؛ «وحدت؛ انقلاب و مسئولیت»؛ «بیانیه جنبش به مناسبت جشن جهانی کارگران»؛ «اطلاعیه درباره نامگذاری جنبش»؛ «اتحادیه ملی»؛ «اتحادیه جعلی امارات؛ توطئه -

ای بر ضد وحدت عربی»؛ «بیانیه درباره طرح جنبش پیرامون قضیه فلسطین» و «بیانیه درباره جدایی».

مجلد سوم کتاب حاوی مجموعه پژوهشها، گزارشها، اطلاعیهها و بیانیههای سیاسی است که موضع گیری جنبش ملی گرایان عرب را نسبت به احزاب کمونیستی عربی تبیین می کند. به ویژه احزابی که در طول سالهای دهه پنجاه تا فروپاشی جمهوری متحد عربی در ۲۸ سپتامبر ۱۹۶۱ - که با شکل گیری حکومت جدایی طلب و مرتجع در سوریه این اتفاق افتاد - در کشورهای مشرق عربی فعال بودند.

از گزارشها و بیانیههایی که «کمیته تهیه اسناد» مؤسسه «الابحات العربیه» در این مجلد از کتاب منتشر کرده به این موارد می توان اشاره کرد: «کمونیسم چیست؟»، «کمونیسم در جهان عرب»، «گزارش سیاسی ماهانه درباره مقابله با کمونیستها از منظر مبارزه با این گرایش»؛ «بیانیه مواضع ملی گرایان عرب درباره جنبش کمونیسم در جهان عرب». این کمیته همچنین جزوههای سیاسی مهمی که در ۱۹۵۹ توزیع شد، در این مجلد گردآوری و تدوین کرده است که عناوین آنها عبارتند از: «اتحاد جمعی برای مقابله با خطر کمونیسم»، «عراق و آماده سازی وحدت»، «آقایان کمونیستها باورتان درباره تشکیل فدراسیون چه شد؟».

آخرین مطالب کتاب را «کمونیسم داخلی و نبرد اعراب ملی گرا» - که «کمیته اندیشه» تهیه و تدوین کرده است - و «شکل گیری حکومت دروزیها» تشکیل می دهد.

نویسندگان در این مجلد توانسته اند منازعات و مناقشات سیاسی میان نیروهای ملی گرا و کمونیستها را با استناد به اسناد و مدارک موجود تبیین کنند به گونه ای که کتاب مرجع برجسته و قابل اعتنائی درباره فعالیتهای احزاب کمونیستی کشورهای مشرق عربی شده است.

مجلد چهارم کتاب جنبش ملی گرایان عرب، اسناد مربوط به تشکیلات،

مفاهیم و مبانی محوری جنبش و نیز برخی اسناد مربوط به امور مالی را - که از معضلات جنبش ملی گرایان عرب بود - دربرمی گیرد.

اسنادی که در این مجلد آمده در چهار بخش سامان یافته است. در بخش اول اسنادی که جنبش درباره ضرورت آموزش علم و اندیشه صادر کرده آمده است. به اعتقاد نویسندگان، برخی از رهبران جنبش، با درک اهمیت تشکیلات، به پژوهش و مطالعه تشکیلات و سازمانهای سیاسی که در نیمه دوم قرن نوزدهم و دهه های نخستین قرن بیستم

فعالیت می کردند، پرداختند مانند گروه کاربونارا (carbonara) که در مبارزات ملی شان برای وحدت ایتالیا شهرت یافتند، سازمان «ایتالیای جوان» که مازینی آن را رهبری می کرد. همچنان که مبارزات ملت ایرلند بر ضد حضور استعمار، تجارب روسیه در مبارزه با حکومت تزار، روشهای تشکیلاتی سازمانهای انقلابی، سوسیالیستی، مارکسیستی و به ویژه تشکیلات بلشویکها بررسی و مورد مطالعه قرار گرفت. در این بخش همچنین کتاب فی التثقیف القومی (در آموزش اندیشه ملی گرای) بررسی شده است.

بخش دوم کتاب به امور تشکیلاتی و مالی و بررسی اسناد مربوط به آنها اختصاص دارد. کتاب درباره تشکیلات در جنبش ملی گرایان عرب مطالبی بیان می کند که این مسئله در مرحله تأسیس جنبش، دغدغه و دلمشغولی اصلی پایه گذاران آن بود و تلاش و زمان بسیاری از آنها را گرفت، زیرا معتقد بودند که «تشکیلات» رکن اصلی مبارزه توانمند برای موفقیت اندیشه های جنبش و برنامه های مبارزه طلبانه آن بوده است. در این بخش همچنین اعلامیه های جنبش درباره بحران مالی آمده است.

بخش بعدی کتاب حاوی اسناد مربوط به ضرورت تعامل و ارتباط با ملت عربی و فعالیتهای مردمی است. بخش پایانی کتاب گزارشها، اعلامیه ها و بیانیه های مختلفی همچون مبارزات عربی، حوادث کویت، انتشار مجله الحریه، کنفرانس خلیج و جنوب (۱۹۶۱)، برپایی جمهوری متحد عربی و نمایه کتاب اول است.

کتاب دوم، جنبش ملی گرایان عرب را از زمان جدایی مصر و سوریه در سپتامبر ۱۹۶۱ تا انحلال آن در ۱۹۶۸ را بررسی خواهد کرد.

منبع:

www.neelwafurat.com